

شاگله نگارش شرح کتاب صرف ساده

عناوین مورد اهتمام در ذیل هر بحث، عبارتند از:

➤ **جغرافیای تصویری بحث:** در ذیل این عنوان محلّ بحث کنونی در جغرافیای کلی کتاب در قالب یک نمودار به نمایش در خواهد آمد و عنوان بحث جاری در این نقشه برجسته و متمایز خواهد شد.

➤ **اصطلاح‌شناسی:** در ذیل این عنوان به مسائل ذیل پرداخته می‌شود:

(۱) **شرح اصطلاحات و مفردات** وارد در متن که نیازمند به توضیح خارجی می‌باشد.
(۲) **شرح اصطلاحات متنوع و متعدّد یک لفظ:** توضیح آنکه گاهی یک اصطلاح در متن کتاب به کار رفته است، که در خود علم صرف و یا در سایر علوم حوزوی، دارای مفاهیم متنوع دیگری است که آگاه نبودن از این تعدّد مفاهیم، گاه موجب لغزش و برداشت‌های انحرافی خواهد شد. به عنوان نمونه لفظ «مفرد» که در تعریف کلمه اخذ شده است، دارای چند اصطلاح دیگر نیز هست.

(۳) **معرفی اصطلاحات مشابه:** معرفی اصطلاحات مشابه با اصطلاح به کار رفته در متن کنونی، علاوه بر ممانعت از خلط اصطلاحات، دیدی جامع نسبت به اصطلاحات و ترمینولوژی هر علم به دست خواهد داد؛ به عنوان نمونه وقتی در علم صرف با عنوان «شبه کلمه»، مواجه می‌شویم، معرفی اصطلاحات مشابهی همچون شبه فعل، شبه جمله، شبه مضاف، شبه شرط و شبه صحیح، خالی از لطف و جذّابیت نخواهد بود.

➤ **پیش فرض‌ها:** این عنوان گزاره‌های صرفی، نحوی و ... را که به صورت پیش فرض در بحث به کار رفته‌اند، ولی در متن بحث اثبات و یا حتی بیان نشده‌اند، (مبادی تصدیقیّه) را بزرگنمایی نموده و توضیح می‌دهد.

➤ **نمودار مطالب:** در ذیل این عنوان، نمودار مطالب مطرح شده در هر بحث، به دقت، به تصویر کشیده خواهد شد.

➤ **تحریر بحث:** در ذیل این عنوان به شرح مطالب درس مورد نظر پرداخته شده و تمامی جوانب آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیش سازمان‌دهنده! پیش سازمان‌دهنده یک قصه، یک خبر، یک مثال، یا مطلب دیگری است که قبل از تحریر مباحث درس القاء شده و ذهن دانش آموز را برای برقراری پیوندی عمیق‌تر با مباحث درس آماده می‌سازد. پیش

سازمان‌دهنده در مقام تشبیه، همچون قصه‌ای است که پدر و مادر برای کودک بیان می‌کنند و در لابه‌لای آن داروی تلخ را به کام کودک خویش می‌ریزند! به عبارت دیگر، پیش سازمان‌دهنده نوعی ورود غیر مستقیم به بحث اصلی است. اهمیت این نوع عملکرد تا بدانجاست که پژوهشگران روش تدریس معمولاً به هنگام برگزاری دوره‌های روش تدریس، بر این سبک تأکید بسیار زیادی می‌ورزند.

➤ **لغزشگاه‌های قواعد:** آنگاه که یک قاعده و نکته صرفی آموخته می‌شود، گاه با لغزشگاه‌هایی مواجه می‌شویم که دانش‌آموختگان صرف، به اشتباه در تطبیق یا اجرای قواعد دچار می‌شوند؛ این عنوان به بزرگنمایی و تنبّه نسبت به این لغزشگاه‌ها می‌پردازد؛ به عنوان نمونه آن گاه که مصدر صناعی آموخته می‌شود، باید تذکر داد که مصدر صناعی با اسم منسوب مؤنث، تشابه لفظی دارد و همین تشابه زمینه‌ساز لغزش است؛ مثلاً «**ایرانیّه**» اگر مصدر صناعی باشد، به معنای ایرانی بودن است و اگر اسم منسوب باشد، به معنای شخص یا شیئی مؤنث و منسوب به ایران خواهد بود.

➤ **ثمره عملی و تطبیقات:** در ذیل این عنوان، ثمره هر یک از مباحث صرفی در سایر علوم، خصوصاً آیات و روایات، مورد طرح و بررسی قرار گرفته و سعی خواهد شد نمونه‌هایی اثر گذار از تطبیقات هر قاعده ارائه گردد.

➤ **سؤالات حاضران:** روش صحیح مطالعه استاد این است که پیش از تدریس، لحظاتی خود را به جای شاگردان تصوّر کند و ببیند چه سؤالاتی ممکن است هنگام ارائه تدریس برای دانش‌آموزان پیش بیاید؛ این سؤالات را یادداشت کرده و قبل از فرا رسیدن ساعت درس، پاسخ آنها را تحقیق نموده و با دستی پُر وارد کلاس شود.

گاه نیز سؤالاتی پیش بینی نشده در طول کلاس مطرح می‌شود که قابل توجه و اعتنا می‌باشد. این دو دسته از سؤالات پیش یا پس از کلاس در ذیل این عنوان جمع‌آوری و پاسخ داده خواهد شد.

➤ **لغات نامأنوس:** از آنجا که برخی مفردات مورد استشهاد در متن کتاب، از حیث ضبط حروف و معنای مورد نظر در کتاب نامفهوم است، با مراجعه به قوامیس لغوی معتبر این لغات و مفردات مورد بررسی علیحده قرار گرفته و در ذیل این عنوان ثبت می‌گردد.

➤ **ادبیات مقارن:** در این عنوان سعی بر آن است که دستور زبان عربی با دستور زبان فارسی و انگلیسی به صورت اجمالی تطبیق داده شده و مورد مقایسه قرار گیرد؛ به عنوان نمونه وقتی در علم صرف سخن از حروف اصلی و وزن کلمات به میان می‌آید، بیان خواهد شد که آیا در زبان فارسی و انگلیسی نیز چنین مباحثی مطرح هست یا طرح چنین مباحثی صرفاً از اختصاصات زبان عربی است.

به نظر می‌رسد طرح مقارن مباحث، علاوه بر ازدیاد جدائی مباحث و رفع غرابت از قواعد زبان عربی^۲، به فهم بیشتر آنها و نیز ماندگاری بیشتر مطالب در ذهن حاضران در کلاس می‌افزاید.

➤ **تحقیقات:** گاه برخی مباحث کتاب ساده نیازمند تحقیقاتی جامع و ماورای مطالب مطرح شده در متن کتاب هستند؛ این تحقیقات در ذیل این عنوان نگاشته شده خواهد شد.

➤ **تمرین:** از آنجا که هدف اصلی از فراگیری صرف و نحو، تسلط بر فهم متون قرآنی و روایی است، ارجاع طلاب به این متون امری ضروری می‌نماید. برای تحقق این مهم متونی از آیات و روایات در ذیل این عنوان به عنوان تمرین شبانه، انتخاب خواهد شد.

➤ **سؤالات چهارگزینه‌ای:** در ذیل این عنوان سؤالاتی دقیق و عمیق از مباحث صرفی مطرح شده و به عنوان امتحانات هفتگی درس صرف، مبنای عمل قرار می‌گیرد.

➤ **سؤالات پژوهشی:** سوق دادن حاضران در کلاس صرف، با شیئی ملایم، به سمت و سوی تحقیق و پژوهش در علم صرف، از اهداف طرح این عنوان است.

هدف‌گذاری سؤالات پژوهشی به شرح ذیل است:

۱. ارجاع دانش آموزان به کتب و منابع ادبی

۲. تعمیق آموخته‌های صرفی

۳. ایجاد روحیه پژوهش علمی

➤ **معرفی کتاب و مقاله:** غالباً دانش آموزان کلاس صرف، اطلاعات چندانی از منابع اصلی، تألیفات و مقالات تألیف شده در زمینه علم صرف و یا برخی مباحث صرفی خاص ندارند؛ این سنخ از اطلاعات، گرچه ممکن است اطلاعات درجه دوم نامیده شود، لکن تأثیر آن بر پژوهش‌های مربوط به هر علم و تسلط بر علم، بر احدی پوشیده نیست.

آنچه در ذیل این عنوان بدان پرداخته می‌شود، معرفی کتب و منابع صرفی و مقالات تألیف شده در زمینه صرف و مسائل آن می‌باشد. باید دانش آموزان علم صرف را به آشنایی با این کتب و مطالعه برخی از آنها ترغیب کرده و پس از ارائه برخی مقالات صرفی از آنها در خواست نمود تا آن را تلخیص کرده و به مقتضای فرصت کلاس در برخی موارد آن را به صورت کنفرانس ارائه دهند.

^۲ به عنوان نمونه گاه برخی سماعی بودن برخی قواعد زبان عربی را امری ناپسند دانسته و می‌پندارند سماعی بودن اختصاص به زبان عربی دارد؛ لکن ایجاد تقارن میان زبان عربی و زبان‌های دیگر این شبهه را برطرف می‌نماید؛ به عنوان نمونه وقتی به سراغ حالت دوم افعال در زبان انگلیسی می‌رویم، در می‌یابیم حالت دوم برخی افعال قاعده‌مند بوده و با اضافه کردن «ed» به آخر فعل ساخته می‌شود؛ این افعال، «افعال با قاعده» نامیده می‌شوند. (Work⇒Worked)؛ حالت گذشته برخی افعال نیز از قاعده خاصی پیروی نمی‌کند و بسته به سماع است؛ این نوع افعال، «افعال بی‌قاعده» نامیده می‌شوند. (Go⇒Went) در زبان فارسی هم چنین پدیده‌ای وجود دارد، به عنوان نمونه «ببین» فعل امر از مصدر «دیدن» است، حال آنکه هیچگونه قرابتی از حیث حروف بین این دو کلمه وجود ندارد؛ به خلاف «بزن» که با مصدر خویش در برخی حروف تشابه دارد.

➤ **اصلاحیه کتاب صرف:** استاد به هنگام تدریس متن درسی، گاه به نارسایی‌ها، کاستی‌ها و اشتباهاتی در متن درسی بر می‌خورد؛ تجمیع این کاستی‌ها و اغلاط و ارجاع آنها به مؤلف، تأثیر بسزایی در اصلاح متون درسی خواهد داشت؛ لکن متأسفانه اساتید محترم به علت عدم تجمیع این اشکالات رغبتی برای ارائه آنها به مؤلف ندارند.

مقدمه

تعريف علم صرف	فصل اول
فايده علم صرف	فصل دوم
موضوع علم صرف	فصل سوم
اشتقاق	فصل چهارم
حروف اصلي و زائد	فصل پنجم
ابنيه كلمه	فصل ششم
وزن	فصل هفتم
انواع كلمه	فصل هشتم
ادغام، تخفيف و اعلال	فصل نهم
الحاق	فصل دهم

مقدمه

مقدمه ورود به علم صرف

📖 شاخه‌های علوم ادبی

زمخسری، صاحب تفسیر کشاف، در کتاب «القسطاس فی علم العروض» علم ادبی را ۱۲ شاخه و به شرح ذیل معرفی می‌کند:

- | | | | |
|----------------|----------------------|-----------------|----------------------|
| ۱. علم اللغة | ۲. علم الأبنية (صرف) | ۳. علم الاشتقاق | ۴. علم الإعراب (نحو) |
| ۵. علم المعانی | ۶. علم البیان | ۷. علم العروض | ۸. علم القوافی |
| ۹. إنشاء النثر | ۱۰. قرص الشعر | ۱۱. علم الكتابة | ۱۲. المحاضرات |

توضیح:

- عروض: یکی از اقسام علوم ادبی است که موضوع آن بحث در وزن (آهنگ) شعر است و در مورد چگونگی ایجاد وزن، انواع وزن، صحت و سقم آن و برخی از شگردهایی که مخصوص کلام منظوم است بحث می‌کند.
- قافیه: علمی است که در مورد قواعد و انواع قافیه در شعر سخن می‌گوید.
- قرص الشعر: چون در واقع با عملکرد ذهنی، بحری از شعر را می‌بریند و آن را به قواعد فنی و اصولی عرضه می‌نمودند، آن را «قرص الشعر» نامیدند.
- المحاضرات: علمی است که با ممارست بر آن قدرت بر به کاربردن کلمات بلیغان در اثناء سخن پیدا می‌شود.

📖 علوم ادبی در حوزه

در حوزه‌های علمی صرفاً به علوم صرف، نحو، و بلاغت (معانی، بیان و بدیع) پرداخته می‌شود.

📖 عدم اهتمام به برخی رشته‌های ادبی در حوزه

متون و منابع دینی همگی به زبان عربی هستند، از این رو یک اسلام شناس برای اجتهاد صحیح در منابع دینی می‌بایست آشنایی کاملی با زبان عربی داشته باشد. البته اجتهاد در منابع دینی و استخراج حکم شرعی بر همه شاخه‌های علوم ادبی متوقف نیست، بلکه علم صرف، نحو و بلاغت (معانی، بیان و بدیع) و علم لغت در این راستا حائز اهمیت هستند. به همین خاطر در حوزه‌های علمی مباحث ادبیات عرب متمرکز بر این سه علم است؛ البته باید معترف بود که در حوزه‌های علمی، نسبت به علم لغت بی‌مهری‌های فراوانی صورت گرفته است و در سیر علمی حوزوی جایگاهی برای آن تعریف نشده است.

معرفی کتاب: آموزش مفردات قرآن، احادیث و لغت عمومی عرب، ملکی نهبانندی

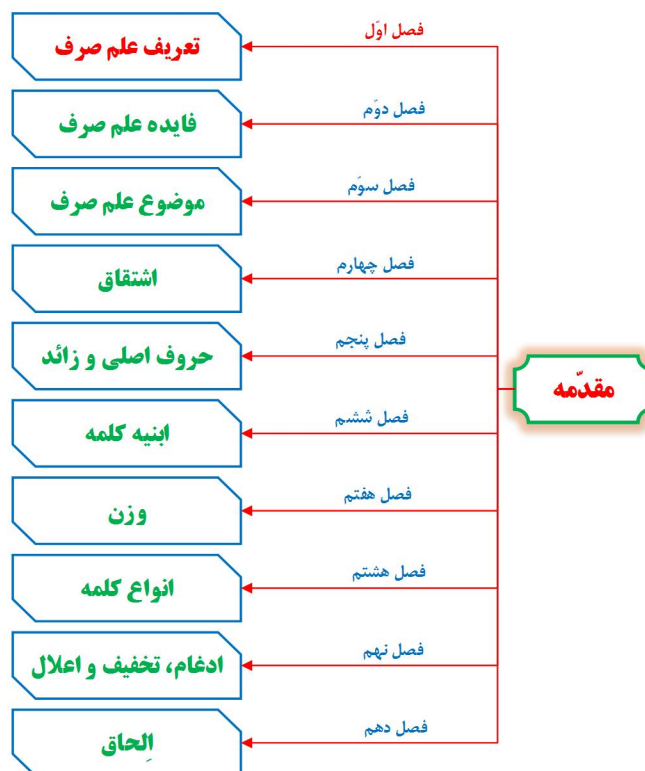
📖 سبک قدما در شروع هر علم

ذکر رئوس ثمانیه: تعریف علم، فایده، موضوع و جایگاه در میان سایر علوم، ارزش، واضع، وجه تسمیه و نمونه‌ای از مباحث آن علم.

صرف ساده از سه عنوان بحث کرده است: تعریف علم صرف، فایده علم صرف و موضوع آن.

فصل ۱: تعریف علم صرف

جغرافیای تصویری بحث



اصطلاح‌شناسی

علم تصریف ✓

«علم تصریف»، نام دیگر علم صرف است؛ «علم الأبنیه» نیز از اسامی علم صرف می‌باشد.

لازم به ذکر است ترادف «صرف» و «تصریف» از اصطلاحات متأخران است، لکن نزد متقدمان اصطلاح «تصریف» معنایی اخص از «صرف» داشته و بخشی از مباحث آن محسوب می‌شده است؛ محی‌الدین عبدالحمید در این باره می‌نویسد:

۳. رک: حملاوی، أحمد، شد العرف فی فن الصرف، ص ۹؛ ظاهراً این نام برای این علم اشتهار بیشتری دارد؛ واژه «تصریف» از نظر لغوی به همان معنای «صرف» است و فقط معنی برگرداندن در آن بیشتر لحاظ شده و دلالت بر مبالغه آن دارد: «صرفته بالتثقیل: مبالغه» فیومی، المصباح المنیر، ج ۲ ص ۳۲۸؛ ابو حیان: «التصریف: مصدر صرف و معناه راجع للصرف و هو الرد. صرفتُ زیداً عد کذا: رددته.» البحر المحیط فی التفسیر، ج ۲ ص ۶۴. [نقل از جمالی، مصطفی، معنی الفقیه، صرف جامع کاربردی، ص ۱۲، پاورقی ۳]

«هذا اصطلاح المتأخرين من علماء العربيّة يجعلون الصرف و التصريف لفظين مترادفين معانها
واحد هو ما ذكرناه [= العلم الذي تُعرف به كَيْفِيَّةُ صناعة الأبنية العربيّة و أحوال هذه الأبنية التي ليست
إعراباً و لا بناءً؛ فأما المتقدمون منهم فقد كانوا يطلقون كلّ لفظ منهما على معنى، كانوا يطلقون لفظ
«الصرف» على ذلك المعنى الذي ذكرناه في الأصل، و يطلقون لفظ «التصريف» على «أخذك من
كلمة ما بناءً لم تبنيه العرب منها على وزن ما بنته العرب من غيرها، ثمّ تعمل في البناء
الذي أخذته ما يقتضيه قياس كلامهم.» مثال ذلك أن تأخذ من الضرب على مثال سفرجل فتقول
ضَرَبَ، و أن تبني من الوأى على مثال قُفْل فتقول وُؤى؛ و هذا النوع من التحويل هو باب التمرين
الذي وضعه الصرفيّون لا اختبار الملكات و تثبيت القواعد؛ فالتصريف على هذا جزء من الصرف.»^۴

توضیح آنکه: این علم در نزد قدمای ادبیات مثل خلیل بن احمد فراهیدی (ت ۱۷۵هـ) و سیبویه (ت ۱۸۰هـ) نه
صرف نامیده می‌شد و نه تصریف؛ زیرا دانش تصریف در آغاز با نحو — که نقش واژگان را در جمله بررسی می‌کند —
آمیخته و بخشی از این دانش بود و نحویانی چون سیبویه در آثار خود مباحث صرفی را در کنار مباحث نحوی مطرح
می‌کردند. در کتاب سیبویه، صرف و نحو ولغت و برخی علوم ادبی دیگر وجود داشت، ولی هیچکدام استقلال نداشتند و
این مجموعه به عنوان «نحو کبیر» شناخته می‌شد.^۵

پیروان مکتب کوفی بر آنند که نخستین کسی که در این علم بحث مستقل کرد، معاذ بن مسلم الهراء (متوفی
۱۸۷هـ)، دانشمند شیعی مذهب، بود و گفته‌اند زمانی که ابومسلم، معلّم و مربّی عبدالملک مروان، بحث‌های صرفی معاذ
را شنید، او را هجو کرد و معاذ نیز به او پاسخ داد و از این رو سیوطی، معاذ را نخستین واضع علم تصریف معرفی کرده
است.

نخستین بار در نیمه اول سده سوم، یکی از دانشمندان بصره به نام ابو عثمان بکر بن محمد مازنی (متوفی
۲۴۹هـ)، کتابی مستقل و درخور توجه در علم تصریف نگاشت که دانش گسترده او را در این زمینه نشان می‌دهد.
سپس ابن جنّی در پایان قرن چهارم، شرحی بر تصریف مازنی نگاشت و بعد خودش کتابی به نام «المصنّف» و کتابی
دیگر به نام «التصريف الملوکی» در علم صرف نگاشت.^۶

با گذشت زمانی نسبتاً طولانی و تقریباً چهار قرن پس از ابن جنّی، دو شخصیت برجسته نحوی دیگر، پا به
عرصه ادبیات عرب گذاشتند. ابن عصفور (۵۹۷-۶۶۹ ق) با نگارش کتاب بزرگ و مهم «المُمتع» و سپس ابن حاجب
(۵۷۰-۶۴۶ ق) با تصنیف کتاب «شافیه»، دو اثر گرانقدر و جامع در زمینه علم صرف از خود به جا گذاشتند که محور
شرح و بسط‌ها، تألیف کتابهای مختلف و بحث و گفتگوهای فراوانی قرار گرفتو می‌توان مدّعی شد تا زمان حاضر نیز

۴. عبد الحمید، محمّد محی الدین، دروس التصريف، القسم الأول، ص ۴.

۵. نشریه رهنامه پژوهش، شماره ۱۲ و ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۰۵، به نقل از حجّت الإسلام مهاجر، مدیر گروه ادبیات عرب مرکز تدوین متون

درسی حوزه.

۶. در قرن دوم و سوم، مازن، یکی از روستاها یا بخش‌هایی است که به نهبوند کنونی مربوط است. نشریه رهنامه پژوهش، شماره ۱۲ و ۱۱، پاییز و زمستان

۱۳۹۱، ص ۱۰۵، به نقل از حجّت الإسلام مهاجر، مدیر گروه ادبیات عرب مرکز تدوین متون درسی حوزه.

اثری تا این اندازه گرانسنگ و مستحکم در علم صرف تدوین نشده است. این دو اثر تا چند دهه پیش نیز مورد توجه فقها و ادبا و دیگر دانشمندان بوده تا جایی که کتاب «شافیه» با شرح‌های گوناگون خود و با توجه به سلیقه استادان فن، بارها تدریس شده است.^۷

✓ صرف

صرف در ادبیات عربی (اعم از صرف و نحو) در سه معنی به کار می‌رود:

۱. **تنوین صرف:** تنوین صرف یا همان تنوین امکانیت یا تنوین تمکین، تنوینی است که به آخر برخی اسماء معرب ملحق می‌گردد و این نوع کلمات به دلیل قبول تنوین صرف، **منصرف** نامیده می‌شوند، و در مقابل، کلماتی که این نوع تنوین را قبول نمی‌کنند، **غیر منصرف** نامیده می‌شوند.
۲. **علتی برای نصب:** کوفیون گاه در توجیه نصب برخی کلمات می‌گویند: «**أنه منصوب علی الصرف**»؛ مثلاً در توجیه نصب فعل دوّم در عبارت «**لا تأتینا فتحدّثنا**» می‌گویند منصوب بر صرف است؛ یعنی فعل دوّم رویگردان شده از عامل فعل اوّل و لذا مجزوم نشده است، و از سوی دیگر مستأنف هم نیست، و از این جهت مرفوع نشده است. می‌ماند حالت نصب، لذا منصوب شده است.^۸
۳. **علم صرف** که محلّ بحث ماست.

➤ پیش فرض‌ها

➤ نمودار مطالب

➤ تحریر بحث

✓ پیش سازمان دهنده

به کلمات زیر دقت کنید؛ آیا همه آنها یک معنی دارند؟ مگر این کلمات همه از مشتقات «علم» نیستند؟!

علم، عالم، معلوم، معلّم، تعلیم، تعلّم، استعلام، علامه

گرچه مادّه همه کلمات فوق، یکسان است، ولی همانطور که مشاهده می‌کنید با تغییر ساختار و ساختمان یک کلمه، معمولاً معنای متفاوتی از آن به دست می‌آید؛ تغییر ساختار و تفاوت در معنی، اختصاص به زبان خاصی ندارد و

۷. نشریه رهنامه پژوهش، شماره ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۸. انتساب این توجیه به کوفیون در برخی منابع آمده است؛ به عنوان نمونه رک: إعراب القرآن (نحاس)، ج ۱، ص: ۵۰، ذیل آیه ۴۲ سوره بقره و ج ۱ ص ۱۸۲، ذیل آیه ۱۴۲ سوره بقره؛ البحر المحيط فی التفسیر (أبو حیان اندلسی)، ج ۷، ص: ۵۲۱ و روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم (محمود الوسی)، ج ۹، ص: ۱۵.

۹. لازم به ذکر است که گاه با تغییر ساختار یک کلمه معنای متفاوتی از آن برداشت نمی‌شود، مانند مصدر اصلی و میمی که معنای یکسانی دارند؛ به عنوان

نمونه قتل و مقتل هر دو به معنای کشته شدن هستند. و یا مانند تغییرات کلمات معتل و مضاعف که تغییر معنایی در پی ندارد.

در همه زبانها جریان دارد؛ در زبان انگلیسی نیز تغییر ساختار یک کلمه باعث تغییر در معنای آن می‌گردد؛ به عنوان نمونه:

تغییر دهنده، صراف	Changer	تغییر دادن	Change
قابل تغییر	Changeable	قابلیت تغییر	Changeability
مبدل، متغیر	changed	ثابت، تغییر ناپذیر	Changeless
دگرگون شونده، نامعین	changeful	آدمِ دمِ دمی مزاج	Changeling

در زبان عربی علمی که به بررسی تغییرات ساختار کلمه و تحولات معنایی آن می‌پردازد، «علم صرف» نامیده می‌شود. «صرف» به معنای «تغییر و تبدیل» است^{۱۰} و «صراف» از این جهت صراف نامیده می‌شود که پول کشورهای مختلف را به پول سایر کشورها تبدیل می‌کند.

نمونه‌هایی از استعمالات قرآنی این کلمه به شرح ذیل است:

﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا﴾ (فرقان/۶۵)

و کسانی اند که می‌گویند: «پروردگارا، عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذابش سخت و دایمی است.»

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (بقره/۱۶۴)

راستی که در آفرینش آسمانها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا روانند با آنچه به مردم سود می‌رساند، و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده، و با آن، زمین را پس از مردنش زنده گردانیده، و در آن هر گونه جنبنده‌ای پراکنده کرده، و [نیز در] گرداندن بادها، و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است، برای گروهی که می‌اندیشند، واقعاً نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد.

✓ تعریف علم صرف

در کتاب صرف ساده، علم صرف چنین تعریف شده است:

«علم صرف که به آن علم تصریف نیز می‌گویند، علمی است که از ساختار کلمه و از تغییراتی که در کلمات رخ می‌دهد، بحث می‌کند. مثلاً علم صرف به ما می‌آموزد که کلمه

۱۰. راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن ص ۴۸۲: «الصرف رد الشيء من حالة إلى حالة»؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۸۹: «الصرف رد الشيء عن

قول بر اساس برخی قواعد صرفی می‌شود: **قَوْل** و **قَوْل** بر اساس برخی دیگر از همین قواعد می‌شود: **قَالَ**.^{۱۱}

لازم به ذکر است که تا آنجا که اطلاع داریم، در سایر زبان‌ها علمی مخصوص بررسی ساختار کلمات جدای از دستور زبان آن علم، تدوین نشده است.^{۱۲}

➤ لغزشگاه‌های قواعد

➤ ثمره عملی و تطبیقات

آشنایی با تعریف یک علم، علاوه بر اینکه باعث ایجاد دورنمایی از آن علم در ذهن انسان می‌شود، مرزبندی علوم مختلف را در ذهن انسان روشن‌تر می‌گرداند و موجب می‌گردد انسان با بصیرت بیشتری وارد آن علم شود.

➤ سوالات حاضران

➤ لغات نامانوس

➤ ادبیات مقارن

علم صرف در دستور زبان فارسی «**تکواژ شناسی**» یا «**ساخت واژه**» و در دستور زبان انگلیسی «**morphology**»^{۱۳} نامیده می‌شود.^{۱۴}

➤ تحقیقات

✓ تکواژ شناسی

تک‌واژ شناسی یا صرف/ ساخت‌واژه (انگلیسی: morphology) بخشی از دستور زبان است که ساخت(ار) واژه را مورد تحلیل قرار می‌دهد. به سخن دیگر، ساخت‌واژه به شناخت تکواژها و راه‌های هم‌نشینی آنها با یکدیگر در قالب‌های نحوی و نیز در واژه‌سازی می‌پردازد. کار اصلی زبان‌شناس در بررسی ساخت‌واژه‌ی یک زبان، تجزیه عبارت‌ها و جمله‌ها و دست یافتن به تکواژها و واژه‌ها و سپس دسته‌بندی آنها بر اساس رده‌های دستوری آن زبان می‌باشد.

در زبان شناسی، تک‌واژ شناسی یعنی بازشناسی، تحلیل و توصیف ساختار تکواژها و دیگر واحدهای معنایی در زبان از قبیل کلمات، وندها و هویت دستوری و همچنین تکیه/استرس و بافتار ضمنی (کلمات در واژه نامه موضوع اصلی واژه شناسی می‌باشد). گونه شناسی مرتبط به شکل و ساختار به نوعی دسته بندی زبان‌ها بر طبق سبک‌هایی

۱۱. طباطبایی، سید محمد رضا، صرف ساده (چاپ هفتاد و نهم، ویرایش ۱۳۹۲)، ص ۴۹.

۱۲. قواعد ساختار شناسی کلمات در دستور زبان فارسی و انگلیسی در ذیل عنوان تحقیقات مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۱۳. /mo:'rfoledʒi/

۱۴. رک: <http://fa.wikipedia.org/wiki/تکواژشناسی>

است که بوسیله آن تکواژها در زبان استفاده می‌شوند. یعنی از تحلیلی که تنها تکواژهای مجزا از طریق زبانهای آمیخته (به هم چسبیده) و ترکیبی استفاده می‌نماید که تکواژهای وابسته (وندها) و تا حدودی چند ترکیبی را که تعداد زیادی از تکواژهای جداگانه را به کلمات مجزا خلاصه می‌نماید، استفاده می‌کند.

در حالیکه کلمات به طور کلی به عنوان کوچکترین واحدهای نحوی پذیرفته شده‌اند، واضح است که در بیشتر زبان (نه همه آنها) کلمات می‌توانند با قوانین (گرامر) به دیگر کلمات مرتبط شوند. به عنوان مثال، انگلیسی زبانان می‌توانند تشخیص دهند که کلمات سگ و سگها خیلی زیاد به هم مرتبط هستند - یعنی تنها با تکواژ جمله ساز "ها" که تکواژ وابسته به اسم است و هرگز نیز جدا نمی‌شود. انگلیسی زبانان (زبانی ترکیبی) این روابط را از دانش فنی قوانین شکل گیری کلمه در انگلیسی تشخیص می‌دهند. آنها مستقیماً استنباط می‌کنند که همانطور که جمع کلمه سگ می‌شود سگها جمع کلمه گربه نیز گربه‌ها می‌شود؛ به همین نحو، سگ که می‌شود سگ گیر؛ ظرف می‌شود ظرف شور (بعضاً اینطور است). قوانینی را که متکلمان درک کرده‌اند الگوهای خاصی را منعکس می‌کند (قواعد) به طوری که کلمات از واحدهای کوچکتر تشکیل شده‌اند و چگونه آن واحدهای کوچکتر در فرآیند صحبت کردن متقابلاً اثر می‌کنند. بدین ترتیب، تکواژ شناسی شاخه‌ای از زبان شناسی می‌باشد که الگوهای شکل گیری کلمه را در زبان مطالعه می‌کند و درصدد قاعده مند کردن قوانین است که دانش متکلمان آن زبان را شکل دهد. در عوض زبانی مانند چینی تکواژ غیر وابسته (آزاد) را بکار می‌گیرد که منوط به آهنگ، وندهای پس عبارت و ترتیب کلمات به منظور انتقال معنی است.

در زبان چینی از مفاهیم فوق به عنوان گرامر یاد می‌شود که بیانگر تکواژ شناسی زبان می‌باشد. آنسوی زبانهای آمیخته، زبانی چند ترکیبی مانند چاکچی کلماتی دارد که از تکواژهای زیادی تشکیل شده‌است: کلمه "təmeyŋəlevtpəytərkən" از هشت تکواژ t-ə-meyŋ-ə-levt-pəyt-ə-rkən تشکیل شده است که می‌تواند به اینصورت تفسیر شود

1. SG.SUBJ-great-head-hurt-PRES.. (صدمه - سر - بزرگ) به معنای "سر درد وحشتناکی دارم". تکواژ شناسی چنین زبانهایی به هر صامت و مصوتی اجازه می‌دهد که به عنوان تکواژ استنباط شود درست مانند گرامر زبان، استفاده و درک تاریخ تکواژ.

تاریخ تجزیه و تحلیل تکواژ شناسی به زبان شناس هند باستان، پانینی بر می‌گردد که ۳،۹۵۹ قانون تکواژ سانسکریت را در کتاب *Aṣṭādhyāyī* با استفاده از گرامر حامی گردآوری کرد. سنت گرامری یونان در روم باستان نیز در تجزیه و تحلیل تکواژ شناسی دخالت داشته‌است. مطالعات تکواژ شناسی عرب که توسط مرح الاروه، احمد ب و علی مسعود حداقل به ۱۲۰۰ سال از زمان تولد مسیح برمی‌گردد. واژه تکواژ شناسی را آگوست شلیچر در سال ۱۸۵۹ بوجود آورد.

دو لایه‌ی ساخت‌واژه

ساخت‌واژه‌ی صرفی (= صرفِ تصریفی) (انگلیسی: inflectional morphology): همان‌گونه

که از نام آن پیداست، به ساختارِ فعل‌ها و نام‌ها (= اسم‌ها و صفت‌ها) در هنگامِ صرف شدن می‌پردازد. به عبارتِ دیگر، در ساخت‌واژه‌ی صرفی به بخشی از واژه پرداخته می‌شود که بطورِ مستقیم با نقشِ نحویِ آن، یعنی نقشِ واژه در جمله، سر و کار دارد. نمونه: «مردها» از دو جزءِ «مرد» و «ها» و «می‌روم» از سه جزءِ «می»، «رو» و «م» تشکیل شده که به نقشِ نحویِ آن‌ها در جمله مربوطند.

هر یک از جزء‌های یادشده را «واژک» (انگلیسی: morpheme) و در ساخت‌واژه‌ی صرفی «واژکِ تصریفی» (انگلیسی: inflectional morpheme) می‌گویند [۴].

ساخت‌واژه‌ی اشتقاقی (= صرفِ اشتقاقی) (انگلیسی: derivational morphology): به خود

واژه، فارغ از نقشِ نحویِ آن می‌پردازد. در واقع ساختاری است که از رهگذرِ آن خودِ واژه به دست می‌آید. نمونه: «گلدان» از دو جزءِ «گل» و «دان» و «کارخانه» از دو جزءِ «کار» و «خانه» ساخته شده‌است. این بررسی در مقوله‌ی ساخت‌واژه‌ی اشتقاقی طرح می‌گردد. ساخت‌واژه‌ی اشتقاقی را «ساخت‌واژه‌ی قاموسی» (انگلیسی: lexical morphology) یا «واژه‌سازی» (انگلیسی: word formation) نیز می‌نامند.

هر یک از جزء‌های یادشده را «واژک» (انگلیسی: morpheme) و در ساخت‌واژه‌ی اشتقاقی «واژکِ اشتقاقی» (انگلیسی: derivational morpheme) می‌گویند.

متن کامل این مقاله را در [اینجا](#) و [اینجا](#) ببینید.

تمرین ➤

سوالات چهارگزینه‌ای ➤

- کدام گزینه درباره علم صرف، صحیح است؟
 - الف) علم صرف، فقط از تغییراتی در کلمه بحث می‌کند که موجب تغییر در معنی گردد.
 - ب) علم صرف، از ساختار کلمه و تغییرات آن بحث می‌کند.
 - ج) علم صرف، بررسی نقش کلمات در جمله را بر عهده دارد.
 - د) علم صرف، به بررسی ساختار جملات می‌پردازد.
- نام دیگر علم صرف چیست؟
 - الف) علم تصریف
 - ب) علم نحو کبیر
 - ج) علم الأبنیه
 - د) گزینه الف و ج
- در کتاب صرف ساده، چند مورد از رؤوس ثمانیه علم صرف مورد بحث قرار گرفته است؟
 - الف) ۳ مورد
 - ب) ۵ مورد
 - ج) ۱ مورد
 - د) ۸ مورد

۴. کدام گزینه از فواید آشنایی با تعریف یک علم می‌باشد؟

- الف) آشنایی با دورنمای مسائل آن علم
ب) ورود با بصیرت به آن علم
ج) روشن‌تر شدن مرزبندی علوم مختلف در ذهن انسان
د) همه موارد

۵. مباحث صرفی در **دستور زبان فارسی** اصطلاحاً چه نامیده می‌شود؟

- الف) واج آرایی ب) تکواژ شناسی ج) واژه آمیزی د) حس آمیزی

۶. کلمه **صرف در لغت** به چه معناست؟

- الف) تغییر و تبدیل ب) مصرف کردن ج) سنجیدن د) میل کردن و خوردن

۷. نخستین کسی که مباحث صرفی را به صورت **مستقل** مورد بحث قرار داد، کیست؟

- الف) ابوالأسود دثلی ب) امام علی (علیه السلام) ج) معاذ بن مسلم الهراء د) سیبویه

۸. **نقشه کتاب صرف ساده** با کدام گزینه منطبق است؟

- الف) یک مقدمه و سه بخش ب) دو بخش و یک خاتمه
ج) یک مقدمه و سه بخش د) یک مقدمه و دو بخش و یک خاتمه

۹. **مقدمه کتاب صرف ساده** از چند فصل تشکیل شده است؟

- الف) ۹ فصل ب) ۱۰ فصل ج) ۵ فصل د) ۱۱ فصل

۱۰. فصل اول از مقدمه کتاب صرف ساده، به کدام موضوع اختصاص دارد؟

- الف) تعریف کلمه ب) تعریف علم صرف ج) موضوع علم صرف د) فایده علم صرف

➤ سوالات پژوهشی

➤ معرفی کتاب و مقاله

- ۱- الصرف و ما یدرسه، الدكتور صباح عباس السالم، ۲۲ صفحه.
- ۲- پیشینه و روند پیشرفت علم صرف، سید رضا نجفی، ۱۶ ص.
- ۳- علم التصريف موضوعه و تطوره، الدكتور محمد ابراهيم البنا، ۹ ص.
- ۴- الخلاف في نشأة الصرف، د. أبو الزهراء، ۵ صفحه.
- ۵- تاريخ صرف و نحو، سید حمید رضا مهاجرانی، ۹ ص.

اصلاحیه کتاب صرف

این فصل از کتاب به حسب ظاهری اشکالی ندارد.

تهیه و تنظیم: محسن زارع پور

مدرسه علمیه معصومیه (سلام الله علیها)

تکثیر این مجموعه بلا مانع است.

پایگاه علم صرف

www.tasrif.blog.ir